

نقد و بررسی آسیب شناسانه رشته طراحی پارچه و لباس

کمبود منابع مکتوب

ضعف اصلی رشته طراحی پارچه و لباس در کشور

تهیه و تنظیم: مریم دره شیری، محبوبه آذرزاده



در طی تاریخ، لباس همیشه بیانگر فرهنگ، قومیت، شخصیت و مقام یک فرد بوده است و همین ویژگی سبب ارزش و اهمیت گردیده است. بنابراین بی شک باید برای رشته طراحی پارچه و لباس، ارزش بسیاری قائل شد چرا که این رشته از یک سو در حفظ فرهنگ و ملیت یک کشور نقش به سزایی دارد و از سوی دیگر می تواند بهترین، راحت ترین و کاربردی ترین لباس ها و پارچه ها را برای مردم جامعه به ارمغان بیاورد. در کشور ما رشته طراحی پارچه و لباس حدود ۴۹ سال پیش در دانشگاه الزهراء پایه گذاری شد تا با بهره گیری از میراث غنی فرهنگی و هنری کشور، کیفیت پارچه های تولید داخل بالا رود و توان رقابت با منسوجات وارداتی به وجود آید تا این حرکت در نهایت به استقلال اقتصادی و فرهنگی کشور منتهی شود که البته به نظر می رسد تاکنون به این مهم دست نیافته ایم. از همین رو فصلنامه چیدمان به دلیل اهمیت موضوع، میزگردی را در خصوص جایگاه آموزشی طراحی پارچه و لباس با حضور اساتید دانشگاه و متخصصین این رشته برگزار کرده است. هدف از این میزگرد، شناسایی نقاط قوت و ضعف منابع آموزشی در این رشته است و اساتید



حاضر در خصوص اینکه چه فعالیت‌هایی باید انجام شود تا در رشته طراحی پارچه و لباس هم مانند دیگر رشته‌هایی چون نقاشی، معماری و گرافیک، پایگاه‌های علمی قوی هم از نظر فعالیت‌های پژوهشی و هم از نظر فعالیت‌های آکادمیک، داشته باشیم، تبادل نظر خواهند کرد. فصلنامه چیدمان در این میزگرد از نظرات فهیمه زارع‌زاده (دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد و دبیر بخش طراحی پارچه و لباس فصلنامه چیدمان)، مهدی حنیف، مجید اسدی فارسانی و سیدجواد درخشن، ملیحه صالحیه، آزاده میرجلیلی، و روناک کردی (از دانشجویان کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس) استفاده می‌کند.

زارع‌زاده: به نظر من برای بررسی جایگاه آموزشی طراحی پارچه و لباس، ابتدا باید به پیشینه آن در سطح دانشگاهی توجه کرد. در ایران با تأسیس نخستین دانشکده‌های هنر، شاهد شکل‌گیری رشته‌هایی همچون معماری، نقاشی، مجسمه‌سازی و موسیقی در سطح آموزش عالی هستیم که نخستین طرح درس‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای آن‌ها انجام شد و اساتید هنر گام‌هایی را در جهت پربار نمودن این رشته‌ها برداشتند و منابع جامعی را برای دروس تخصصی و پایه آن‌ها طراحی کردند. اما رشته طراحی پارچه و لباس که به نسبت با تأخیر وارد عرصه دانشگاهی شد برای همگام‌شدن با سایر اهداف آموزش عالی ایران، در تأمین منابع آموزشی خود از سایر رشته‌های هنری وام گرفت که این وام‌گیری را تا به امروز نیز شاهد هستیم.

درخشن: واقعیت امر همین است که در کشور ما در مورد رشته طراحی پارچه و لباس نسبت به سایر رشته‌ها، منابع مکتوب کمتری وجود دارد چنانکه مجلات دانشگاهی موجود هم، در زمینه پذیرش مقاله در این رشته پیش قدم نبوده‌اند. حتی برخی دانشگاه‌ها به‌رغم سابقه طولانی که در تدریس طراحی پارچه دارند، متأسفانه هیچ اقدام و حرکتی در زمینه تأمین منابع تخصصی و پایه مکتوب انجام نداده‌اند یا حتی فصلنامه تخصصی را منتشر نکرده‌اند که این خودش

می‌تواند ضعف اصلی کار باشد. البته در زمینه آموزش پیشرفته طراحی پارچه در ایران حرکت‌های خوبی صورت گرفت مانند طراحی واحد کارآموزی برای ارتباط با بخش صنعت و یا حضور در نمایشگاه‌های انتکسال آلمان یا التکس ترکیه که از سوی دانشگاه آزاد اسلامی یزد انجام شد و این واحد دانشگاهی توانست فارغ‌التحصیلانش را سریعاً وارد واحدهای صنعتی کند و خروجی ارزشمندی داشته باشد.

اسدی: توجه به این نکته که ترجمه منابع دست اول می‌تواند به جایگاه آموزشی ما کمک کند، خیلی مهم است که کمبود آن چند سال پیش احساس شد و اقدامی هم در این مورد صورت گرفته است. ولی به‌نظرم بهتر است بحث را از اینجا شروع کرد که طراحی لباس آیا جزء رسانه‌های هنری است یا نه؟ آیا می‌توان به‌عنوان یک رسانه هنری آن را در کنار نقاشی، تئاتر، موسیقی قرار داد یا نه؟ اگر تاریخچه لباس را از این منظر بررسی کنیم متوجه می‌شویم که بیانگری طراحی لباس، گاهی خیلی بالاتر از سطح کلام هم بوده است. جایی که حتی زبان و کلام هم نمی‌توانسته بیانگر باشد، پوشاک توانسته این کار را انجام دهد. نمونه‌اش هم در اجرای پرفورمنس‌ها یا در تئاتر است. در کتاب «فلسفه مد» - که به تازگی ترجمه شده است - پرسش رسانه هنری بودن یا نبودن طراحی لباس مورد بررسی قرار گرفته است. اتفاق خیلی خوب دیگر، چاپ کتاب انقلاب مفهومی از دکتر سمیع‌آذر است که فصل آخر این کتاب به طراحی لباس اختصاص دارد و این نشان‌دهنده توجه جامعه هنری ایران به مبحث طراحی لباس به‌عنوان یک رسانه است. هرچند این اتفاق خیلی دیر نسبت به جوامع اروپایی رخ داد.

میرجلیلی: به اعتقاد من اولین مشکل، در حال حاضر این است که طراحی پارچه و لباس را یک‌جا از هم جدا می‌کنیم و جایی دیگر کاملاً باهم مطرح می‌کنیم. حتی فکر می‌کنم در تمامی دانشگاه‌های ایران الان طراحی بافت و چاپ یک رشته شده است و مبحث بافت و چاپ را جدا نمی‌کنند، در حالی که در کشورهای دیگر در این زمینه

تقریباً ۱۶ گرایش مطرح شده است. چاپ، بافت، فتوگرافیک مد، تصویرسازی مد، طراحی لباس و مد از هم جداست ولی در ایران همه گرایش‌ها در قالب یک رشته می‌آید. به همین خاطر است که از یک طرف اطلاعات دانشجویان در کشور جامع و کامل نیست و از هر مبحثی، اطلاعات کمی در اختیار دارند و از طرف دیگر هم تولید منابع آموزشی قوی در هر یک از این گرایش‌ها صورت نمی‌گیرد. یکی از نقاط ضعف هم در این است که ما از سلیقه مردم خبر نداریم و در ارتباط با جامعه نیستیم که آن را در آموزش‌هایمان مدنظر قرار دهیم. به‌عبارتی آموزش‌هایمان در ارتباط با نیازهای جامعه نیست به همین دلیل تولید منبع چه به صورت مکتوب و چه به‌صورت عملی نداریم. یکی از دوستان ما درباره همین تولید آموزش عملی معتقد بود که باید واحد کارآموزی را در یک بوتیک بگذرانیم ولی متأسفانه این اتفاق نیفتاد و مشکل ما هم همین است. مردم و ما همه به دنبال بهره‌گیری منبعی تصویری مانند شبکه‌های تلویزیونی خارجی هستیم. مردم طرح‌ها را می‌بینند و براساس آن‌ها لباس می‌پوشند و حتی خودمان هم بیشتر از همین‌ها استفاده می‌کنیم. بنابراین به دنبال تولید طراحی و آموزش آن نمی‌رویم.

اسدی: در بحث طراحی لباس، سه گرایش خیلی مهم است: طراحی، الگو و دوخت. که یک طراح لباس باید هر سه را در کنار هم به صورت حرفه‌ای کار کند. در بحث آموزش طراحی در سطح دانشگاه آیا از طراحی‌هایی استفاده کرده‌ایم که مخصوص طراحی لباس بوده است؟ خیر، چون مانکن‌ها برای طراحی لباس نیستند. مانکن‌ها مخصوص آناتومی‌هایی بوده که در واقع برای رشته‌های دیگر مانند نقاشی استفاده می‌شده است. اگر در اجراهای فشن دقت کنید فرم‌های ایستادن، اجرایشان نسبت به اجراهایی که مانکن‌های دیگر در زمینه رسانه‌های دیگر دارند، متفاوت است. در بحث الگوسازی و متدهای مختلف هم همین‌طور است که در حال حاضر دارد روی آن‌ها و شیوه آموزششان به دانشجویان کار می‌شود. طی ۲ سال گذشته تا الان در این زمینه ۱۰ جلد

کتاب ترجمه شده ولی هنوز به مرحله چاپ نرسیده است. این ترجمه‌ها کارهایی است که جزء پایان‌نامه‌های دانشجویان می‌باشد و منتظریم بعد از دفاعیه‌شان کار چاپ آن‌ها انجام شود. به جز کتاب‌های طراحی مد و لباس، فلسفه مد و کتاب تاریخی هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، به تازگی کتابی به نام «گرایش‌های طراحی لباس»

آن رسیده‌اند این است که گستره اطلاعات وسیعی دارند و از هر بخش یک سری دانش دریافت می‌کنند. در حالی که باید عمیق کار شود، اطلاعاتمان تخصصی تر گردد تا امکان بهره‌برداری فراهم شود. اگر تئوری قوی شود، پایه‌های عملی بهتر شکل خواهد گرفت. ما هنوز اطلاعاتی از مبانی طراحی پارچه و لباس یا مبانی زیبایی‌شناسی طراحی پارچه

تدریس کند. خصوصاً که حالا رشته طراحی پارچه در جاهایی غیر از دانشگاه پیام‌نور تدریس می‌شود. پیام‌نور امتحاناتش سراسری است و به خاطر همین هیچ استادی نمی‌تواند سرفصل آن را بهم بزند که خوشبختانه این رشته در چنین دانشگاه‌هایی تدریس نمی‌شود و هر استادی خودش می‌تواند این سرفصل‌ها را تغییر دهد و ایده‌ها و



فهیمة زارع‌زاده



روناک کردی



آزاده میرجلیلی



ملیحه صالحیه‌یزدی

نوشته مایری مکنزی و ترجمه خانم آیدا تدین از نشر آبان چاپ شد که به سرعت در بازار به فروش رسید و اکثر فعالان این رشته آن را تهیه نمودند. این نشان از کمبود منابع با دانش و آگاهی‌های روز جهانی است که اگر کتاب‌های بیشتری ترجمه شوند و به بازار عرضه گردند هم استقبال خوبی از آن می‌شود و هم کمکی به علم ما خواهد بود و دیگر نیازی نیست ما بخواهیم خودمان یک سری تحقیقات را دوباره انجام دهیم. بهترین راه این است تا آنجایی که جامعه اروپایی در این عرصه دانشی را تجربه کرده است کسب کنیم و مابقی را خود پیش برویم و تولید نماییم. البته مشکل دیگر عرضه شدن کتاب‌هایی است که ارزش علمی چندانی ندارند و کپی برداری ناقصی از اصل اثر محسوب می‌شود بدون داشتن تصاویر لازم و ارجاعات کافی مانند کتاب «تاریخ لباس ایران» نوشته خانم شبنم رنج‌دوست از انتشارات جمال هنر که سرشار از اشتباه است و متأسفانه مرجع پایان‌نامه دانشجویان نیز قرار می‌گیرد و سؤال اساسی این است که چرا چنین کتابی باید در جامعه ما به مرحله چاپ برسد؟!

و لباس در دست نداریم، باید دانش پایه شکل بگیرد تا بشود آن فرمت اصلی و شکل ظاهری طراحی پارچه را با کارکرد واقعی‌اش که در اروپا آموزش داده می‌شود، توی ایران هم شاهده باشیم. **حنیف:** من عناوین درسی کارشناسی و کارشناسی ارشد را نگاه می‌کردم خیلی عناوین خوبی انتخاب شده‌اند ولی در محتوا که می‌روی خیلی جای اما و اگر دارد. در مورد ضعف نظام آموزشی به نظر من نظام آموزشی نمی‌تواند یک شبه مشکلات را درست کند و نمی‌توان منتظر شد تا همه چیز درست شود و بعد بیاییم تدریس کنیم. روند آموزش این رشته مثل کشتی پر نقصی است که نمی‌شود توی ساحل نگهش داشت و تعمیرش کرد باید حرکتش داد. این مردم پوشاک می‌خواهند، لباس می‌خواهند و پارچه می‌خواهند، در حین حرکت باید درست هم بشود.

زارع زاده: عناوین به نظر من هم خوب است ولی مشکل از جایی شروع می‌شود که مدرس باید بر طبق سرفصل‌های نوشته شده آن‌ها را تدریس کند.

حنیف: این به وسعت نظر مدیران و مدیرگروه‌های مراکز آموزشی بستگی دارد که به استاد اجازه دهند فراتر از این سرفصل‌ها

خلاقیت‌هایی را در آن وارد کند مثل درس جامعه‌شناسی هنر که چون در رشته‌های دیگر هنری بیشتر تدریس شده و سابقه پژوهشی خوبی هم در آن رشته دارد بنابراین از محتوای خوبی برخوردار است. اما در رشته طراحی پارچه و لباس، آن‌هم در مقطع ارشد هنوز نوپا هست و واقعیت این است که نمی‌توانیم منتظر باشیم شاخه ارشد جامعه‌شناسی مد ایجاد شود. راهش این است ایده‌هایی را که به اندازه تولید محتوا برای یک رشته تحصیلی نیست به صورت مقاله و از طریق مجلات تخصصی منتشر کنیم که این می‌تواند پایه‌ای برای شروع تولید محتواها و پوشش دادن نقص‌ها باشد.

زارع‌زاده: مباحثی در مورد شکل‌گیری مبانی نظری، شکل‌گیری مبانی صنعتی مطرح شد و مشخص شد که ما تولید محتوا نداریم. دوستان اشاره کردند که نخستین گام‌ها می‌تواند تولید منابع آموزشی مانند کتاب هم در بحث تئوری و هم در بحث نظری باشد، محتواهای آموزشی بازنگری گردد، ترجمه انجام شود و در نهایت ایده‌های آموزشی که در یک فصلنامه تخصصی می‌تواند به نشر برسد. حال از نظر دوستان استفاده کنیم و ببینیم نخستین گام برای تولید محتوا در انتشار فصلنامه تخصصی به چه صورت می‌تواند باشد؟



ارشد و همت جمعی از دانشجویان دلسوز، می‌توان خروجی خوبی داشت.

حنیف: برای تولید مجله یک سری اشکالات داریم درحالی‌که حسن وجود یک مجله تخصصی و تبدیل شدنش به یک مرجع این است که گاه و بیگاه نباشد و منظم منتشر شود به طوری که در زمان مقرر مخاطب منتظر شماره بعد باشد اما گاهنامه‌ای یا

گردی: برای تولید محتوای فصلنامه، بخشی را باید به مطالعات دانشجویان اختصاص داد. زیرا هر یک از آن‌ها در مقطع ارشد در یک بحث تخصصی پیش می‌روند که می‌تواند در موارد متعددی بحث‌های مورد نیاز صرفاً جهت آگاهی و آشنایی دانشجویان کارشناسی را تحت پوشش قرار دهد یا برای آن‌ها در تولید آثار طراحی ایجاد انگیزه و خلاقیت کند.



سیدجواد درخشن



مجدد اسدی فارسانی



مهدی حنیف

ویژه نامه‌ای که بشود و معلوم نباشد که کی منتشر می‌شود تا حدودی اعتبار و جایگاهش را از دست خواهد داد. بهترین راه وجود یک مجله خارج از آن محیط آموزشی است چون همیشه نگاه از بیرون بهتر می‌تواند نقد کند. در مبحث سینما یک منتقد فیلم هیچ وقت نمی‌تواند یک فیلم بسازد ولی به خوبی می‌تواند فیلم را نقد کند چون از بیرون دارد به آن موضوع نگاه می‌کند. یک ناظر بیرونی برای رصد کردن، نقد کردن و ایده دادن مفید خواهد بود.

زارع زاده: در مجموع بنا به نظر دوستان می‌توانیم در ابتدایی‌ترین گام‌ها برای تولید محتوا و رفع نیاز آموزشی طراحی پارچه و لباس یک فصلنامه شکل دهیم که در توالی زمانی منظمی به چاپ برسد و با موضوعات تخصصی به صورت راهبردی بر ژرفای دانش و آگاهی محصلان، فعالان و علاقه‌مندان این رشته بیافزاید. ■

اسدی: خوب است که در فصلنامه بخشی را به معرفی کتاب‌های منتشر شده در زمینه طراحی لباس و پارچه در ایران با یک سری نقدهای چکشی اختصاص دهیم.

درخشن: برای چاپ یک مجله تخصصی طراحی پارچه و لباس، باید یک دانشگاهی یا مرکزی پیش قدم شود و یک گروه از نیروهای متخصص تشکیل دهد. متأسفانه دانشگاه‌ها در این رشته به علت اینکه همیشه تا مقطع لیسانس، فارغ‌التحصیل داشته‌اند و نتوانسته‌اند فوق لیسانس یا دکتری به جامعه تحویل بدهند همیشه این سوال بوده است که گروه تخصصی مجله را چه کسانی می‌توانند تشکیل بدهند؟ که به نظرم باید این تکیه بر مدرک را کنار بگذاریم و به کسانی که با وجود داشتن لیسانس حتی تا حد دکترا تجربه و دانش دارند بها بدهیم، تا بشود گروهی متخصص برای مجله در اختیار داشت. در حال حاضر باید راهکارهایی که این مجله می‌تواند به سمت مجله تخصصی علمی پژوهشی برود را ارائه داد و تعریفی از راهکارهای رسیدن به یک مجله موفق در دنیای طراحی پارچه را داشته باشیم. با حمایت فصلنامه چیدمان، استفاده از مقالات و پایان‌نامه‌های مقاطع